

نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب مصر

مرتضی نورمحمدی^۱ - رقیه محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۵

تاریخ تصویب: ۹۲/۳/۲۵

چکیده

از مهمترین پدیده‌های نوظهور در فضای مجازی، که امکان تشکیل اجتماع‌های مجازی را فراهم می‌کند، شبکه‌های اجتماعی مجازی است که به‌عنوان نیروی پیش‌رونده در تغییرات اجتماعی و سیاسی جوامع محسوب می‌شوند. در همین چارچوب، تغییرات سیاسی و اجتماعی که از دسامبر ۲۰۱۰ بخش اعظمی از خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌ویژه مصر را درنوردید، پرسش‌های مهمی را درباره نقش فناوری‌ها و ساختارهای نوین رسانه‌ای در جنبش‌های سیاسی معاصر برانگیخته است. بر همین اساس، یکی از موضوعات مهم در ارتباط با تغییرات

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی politic110@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران roghayeh.mohammadi@gmail.com

سیاسی و اجتماعی، نقش رسانه‌های نوظهور است. با توجه به اهمیت فزاینده شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع، سوال پژوهش حاضر این است که شبکه‌های اجتماعی مجازی چه نقشی را در انقلاب مصر ایفا کردند؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که شبکه‌های اجتماعی از طریق تسهیل و تسریع ارتباطات میان معترضین و هماهنگی میان آن‌ها، تدوین برنامه‌ها، شکل‌دهی و جهت‌دهی به تجمعات معترضین، نقش شتاب‌دهنده‌ای در انقلاب مصر ایفاء کرد.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، انقلاب مصر، اجتماع‌های مجازی، اطلاع‌رسانی

مقدمه

یکی از پدیده‌های نوظهور در فضای مجازی، که امکان تشکیل اجتماع‌های مجازی را فراهم می‌کند، شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱ است که به‌عنوان نیروی پیش‌رونده در تغییرات اجتماعی و سیاسی جوامع محسوب می‌شوند. شبکه اجتماعی، وبسایت یا مجموعه وبسایتی است که به کاربران اجازه می‌دهد تا علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم با آنان به اشتراک بگذارند. حجم وسیعی از اطلاعات از اقصی نقاط جهان شامل کوچک‌ترین حوادث تا وقایع مهم در این وبسایت‌ها جمع‌آوری و به‌تدریج تبدیل به منبع مهم اطلاعاتی برای انجام عملیات جاسوسی و کسب اطلاعات از وضعیت سیاسی و اجتماعی کشورها می‌شود.

بر همین اساس، از موضوعات مهم در ارتباط با تغییرات سیاسی و اجتماعی، نقش رسانه‌ها است. نقش رسانه‌ها در تحولات جوامع همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. مارشال مک‌لوهان،^۱ یکی از متفکران برجسته علوم اجتماعی، استدلال می‌کند که رسانه‌های هر عصر ماهیت جامعه آن عصر را تعیین می‌کنند. از نظر مک‌لوهان، پیشرفت هر جامعه‌ای همزمان با رشد فناوری‌ها بوده است. جوامع انسانی از رسانه‌ها (فناوری) - از حروف الفبا تا اینترنت - تأثیر پذیرفته و بر آنها تأثیر نهاده‌اند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴: ۳۹۳). با توجه به اهمیت فزاینده شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع، سوال پژوهش حاضر این است که شبکه‌های اجتماعی مجازی چه نقشی را در انقلاب مصر ایفا کردند؟ ادبیات نظری غنی پیرامون نقش اینترنت در تحولات سیاسی و اجتماعی وجود دارد. برای مثال، مک‌لوهان، رسانه‌های ارتباطی را عصاره تمدن می‌داند و معتقد است که تاریخ به‌وسیله رسانه‌های غالب در هر عصر و زمانی هدایت می‌شود. رسانه‌ها آن‌چه را در یک دوره تاریخی اتفاق می‌افتد و با اهمیت به‌نظر می‌رسد، تعیین می‌کنند. اساسی‌ترین نظریه مک‌لوهان این است که مردم از طریق تعادلی با نسبت احساسات با محیط سازگار می‌شوند و رسانه غالب هر عصری، موجب مطرح شدن نسبت حسی ویژه‌ای می‌شود که همین امر بر ادراک انسان در مورد محیط پیرامون تأثیر می‌نهد (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۷۳۰). کاستلز (۱۳۸۵) در سه‌گانه عصر اطلاعات، به تفصیل به ویژگی‌های جوامع در عصر اطلاعات (جامعه شبکه‌ای) اشاره می‌کند و بر مبنای جهان‌گیری اینترنت، نوید ظهور دموکراسی اینترنتی را می‌دهد. روزنا و فاگن (۱۹۹۷)، انقلاب مهارت‌ها در توانمندی‌های تحلیلی و احساسی افراد به‌واسطه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را مورد

1. Marshall McLuhan

بررسی قرار می‌دهند و بر همین اساس، استدلال می‌کنند که در جهان امروزی (جهان آشوب‌زده - جهان پس‌اين‌الملل) افراد می‌توانند نقشی همپای دولت‌ها در دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی ایفا کنند. بر همین اساس، مارتینز و رانفلت (۱۹۹۷)، نشان می‌دهند که چگونه جنبش زاپاتیست‌ها در مکزیک، برای مخالفت با تصمیم دولت در آزادسازی واردات غلات، از قابلیت‌ها و امکانات اینترنت برای اظهار مخالفت و بسیج معترضان در سراسر کشور بهره گرفتند. فرضیه پژوهش حاضر این است که شبکه‌های اجتماعی از طریق تسهیل و تسریع ارتباطات میان معترضین و هماهنگی میان آن‌ها، تدوین برنامه‌ها، شکل‌دهی و جهت‌دهی به تجمعات معترضین نقش شتاب‌دهنده را در انقلاب مصر ایفاء کردند.

۱. چارچوب نظری

یکی از مهم‌ترین وجوه عملکرد رسانه‌ها، اعم از سنتی و مدرن، تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها در عرصه تولید، توزیع و اعمال قدرت سیاسی است. به همین سبب، نقش ارتباطات و رسانه‌های گروهی در زندگی سیاسی، به ویژه تأثیر این پدیده‌ها در توسعه سیاسی، رشد و تعمیق مردم‌سالاری از دیرباز مورد توجه محققان حوزه ارتباطات سیاسی بوده است. در دهه‌های پایانی قرن بیستم، با وقوع انقلاب اطلاعات و گسترش روزافزون دسترسی جوامع مختلف به اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای، کوشش‌های نظری بسیاری صرف یافتن الگوهای مناسب برای مطالعه اینترنت، ابعاد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن گردید. در جریان این تلاش‌ها،

مفهوم حوزه عمومی در چارچوب نظریه جامعه‌شناختی یورگن هابرماس جایگاه برجسته‌ای یافته است.

حوزه عمومی در واقع ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریه هابرماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفتگو جای دارد. از دیدگاه هابرماس، حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسائل مهم مربوط به خیر عمومی بپردازند. نتیجه این امر، شکل‌گیری افکار عمومی است: «مقصود ما از حوزه عمومی قبل از هر چیز، قلمروی از زندگی اجتماعی ما است که در آن، آنچه به افکار عمومی منجر می‌شود، می‌تواند شکل بگیرد» (هابرماس، ۱۳۸۲: ۳۰). در حوزه عمومی، افراد نه برای کسب و کار گفت‌وگو می‌کنند و نه در مقام اعضای نهادهای قانونی یا دولتی. هابرماس بر آن است که حوزه عمومی عرصه حضور و مشارکت آزادانه و برابر همه شهروندان در گفت‌وگوی جمعی در جامعه دموکراتیک است. در این عرصه، گفت‌وگو بر اساس معیار عقلانیت انجام می‌شود و ماهیت رهایی‌بخش عقل جمعی در آن تجلی پیدا می‌کند. هابرماس، تعبیر حوزه عمومی را در اطلاق به عرصه اجتماعی به‌کار می‌برد که در آن افراد از طریق مفاهیم، ارتباط و استدلال مبتنی بر تعقل، موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های هنجاری اتخاذ می‌کنند که بر فرایند اعمال قدرت دولت، تأثیراتی آگاهی‌دهنده و عقلانی‌ساز باقی می‌گذارد. به عبارت بهتر، افراد در حوزه عمومی از طریق مفاهیم و استدلال و در شرایطی عاری از هرگونه فشار، اضطراب یا اجبار درونی یا بیرونی و بر مبنای آزادی و آگاهی و در شرایط برابر برای تمامی طرف‌های مشارکت‌کننده در حوزه عمومی، مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید می‌کنند که به صورت ابزاری مؤثر برای تأثیرگذاری بر رفتار و

عملکرد دولت، به‌ویژه عقلانی ساختن قدرت دولتی عمل می‌کند (نوذری، ۱۳۸۱).
سه عنصر اصلی حوزه عمومی از دیدگاه هابرماس عبارت است از:

الف) حوزه عمومی به مکانی برای تبادل نظر نیاز دارد که برای همه قابل دسترسی باشد و امکان بیان و مبادله تجربیات اجتماعی و دیدگاه‌ها در آن‌جا وجود داشته باشد. ب) در حوزه عمومی، مواجهه با دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات از طریق مباحث عقلانی و منطقی صورت می‌گیرد. به این معنی که انتخاب سیاسی منطقی تنها زمانی ممکن است که حوزه عمومی در وهله نخست، شناخت و درک آشکاری نسبت به گزینه‌های ممکن عرضه کند؛ به طوری که هر شخص بتواند از بین گزینه‌ها دست به انتخاب بزند. رسانه‌ها باید گسترده‌ترین طیف ممکن چارچوب‌ها یا چشم‌اندازها را عرضه کنند تا شهروندان نسبت به آن‌چه که انتخاب نکرده‌اند، نیز آگاه شوند. ج) بازمینی و نظارت سیستماتیک و نقادانه بر سیاست‌های دولت، وظیفه اصلی حوزه عمومی است (Obrien, 2003).

یکی از موضوعات مهم در حوزه عمومی، ابزارهای ارتباطی حوزه عمومی است. از دیدگاه هابرماس، از آن‌جا که محدوده جامعه جدید، فقط امکان حضور فیزیکی تعداد نسبتاً اندکی از شهروندان را امکان‌پذیر می‌سازد، رسانه‌های همگانی به نهادهای اصلی حوزه عمومی تبدیل گشته‌اند (دالگران، ۱۳۸۰: ۱۹). در صورت گسترده بودن حوزه عمومی، ارتباط و مفاهمه میان افراد، مستلزم ابزار معینی برای پراکنش و انتشار عقیده و تأثیرگذاری است (هابرماس، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۶). ابزارهای ارتباطی حوزه عمومی، به دو بخش اطلاعات و رسانه‌ها تقسیم می‌شود. رسانه‌ها، امکان برقراری ارتباط را مهیا می‌سازند و اطلاعات موجود را به اشتراک نظر می‌گذارند. بر اساس دیدگاه مک‌لوهان، رسانه‌های هر عصری ماهیت آن جامعه را

تعیین می‌کنند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴: ۳۹۳)، بر همین اساس، در عصر اطلاعات مهم‌ترین رسانه، فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات است که تحولات بنیادین در تمامی ابعاد قلمرو حیات بشری ایجاد کرده است.

بخش اعظمی از تحولات بنیادین به واسطه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، به ویژگی‌های این فناوری‌ها برمی‌گردد. نخستین ویژگی بی‌همتای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، جهان‌گیری گسترش این فناوری‌ها است. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تمامی مرزها را درمی‌نوردند و از جهان مرززدایی می‌کنند. این مرززدایی و کم‌رنگ کردن مرزهای سنتی، زمینه تسهیل حرکت هرچه آزادانه‌تر کالا، سرمایه و افراد را فراهم می‌کند (Everard, 2000: 62). دومین ویژگی مهم و چشمگیر گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، کنترل‌ناپذیری و لجام‌گسیختگی آن است. گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به‌گونه‌ای است که در بسیاری از موارد حتی عاملان گسترش و زمینه‌سازان آن نیز نمی‌توانند آن را در کنترل خود درآورند (Cavelty, 2007: 67). ویژگی سوم که پیوند تنگاتنگی با ویژگی دوم دارد و البته سایر ویژگی‌های گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، قاعده‌گریزی در این پدیده است. این ویژگی به علت ماهیت شبکه‌ای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات است که نوعی وضعیت غیرسلسله‌مراتبی در عرصه‌ای که حضور می‌یابد، می‌آفریند. این وضعیت غیرسلسله‌مراتبی، محیط سنتی و پوشش‌های درونی آن را که نظام‌مند است نه شبکه‌ای، تحت تأثیر قرار می‌دهد (Mesko, 2006: 81). چهارمین ویژگی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، که خصوصیتی بدیع و بدعت‌زا نیز به‌شمار می‌آید، ایجاد و گسترش جهان مجازی است. این ویژگی عرصه کنشگری را دوجوهانی ساخته است: جهان واقعی و جهان

مجازی. جهان واقعی همان عرصه سنتی کنشگری است و جهان مجازی، عرصه‌ای است که گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات هر روز بر اهمیت و تأثیرگذاری آن می‌افزاید، به گونه‌ای که در حال حاضر رویدادهای جهان مجازی بر جهان واقعی سایه می‌افکند.

بر همین اساس، در شرایط کنونی که جوامع بشری در عصر اطلاعات زندگی می‌کنند، فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، به‌ویژه اینترنت، می‌تواند منجر به شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی شود. اگر مؤلفه‌های اساسی حوزه عمومی را «گفت‌وگو»، «افکار عمومی» و «کنش» بدانیم، اینترنت بستر مناسبی برای ظهور و تجلی هر یک از این مؤلفه‌ها است. افراد می‌توانند از طریق اینترنت به گفت‌وگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه بپردازند و از این طریق افکار عمومی به‌عنوان «صدای مردم» شکل بگیرد و هریک می‌توانند در مخالفت یا موافقت با یک مسئله و موضوع اجتماعی و سیاسی دست به کنش بزنند. بنابر این، می‌توان گفت که در دنیای امروزین، شبکه‌سازی اجتماعی نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع ایفا می‌کنند و می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای اطلاع‌رسانی و هماهنگ‌سازی اقدامات در اختیار کاربران قرار گیرد. در واقع، اینترنت نقش مهمی را در گسترش و تقویت ظرفیت‌ها و مهارت‌های افراد و تضعیف کنترل دولت‌ها بر کنش‌های اجتماعی ایفا می‌کند.

شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت، افراد را قادر ساخته‌اند از یک‌سو، مهارت‌هایشان را در جهت انطباق بیشتر با نیازها و پیچیدگی‌های روزافزون جهان تغییر دهند و از سوی دیگر، با آگاهی از سبک زندگی و رفاه سایر جوامع، سطح انتظارات و مطالبات از نظام‌های سیاسی متبوع خود را افزایش دهند. روزنا این

تحولات را با عنوان «انقلاب مهارت‌ها» توصیف می‌کند که سه بعد تحلیلی، احساسی و تصویری دارد و تمامی آنها به‌طور عمده‌ای در اثر پیشرفت‌های فناورانه‌ای که ایده‌ها، اطلاعات و تصاویر را به زندگی مردم وارد می‌کنند، پدید می‌آیند (Rosenau, 2003: 233).

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، اساس بهبود و ارتقای ظرفیت گردآوری و تحلیل اطلاعات را تشکیل داده‌اند. توزیع جغرافیایی این فناوری‌ها در بخش‌های وسیعی از کره زمین و کاهش هزینه‌های خرید و استفاده از آنها به «دمکراتیک شدن فناوری» انجامیده است. این وضعیت، فناوری‌های مذکور را در دسترس اکثر افراد قرار داده است. افراد نیز آموخته‌اند که چگونه از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از قبیل ایمیل، تالارهای گفت‌وگو و تلفن همراه استفاده کنند تا بتوانند علائق خود را بیان کنند و با سایر افرادی که اندیشه‌ها، هویت‌ها، یا تصاویر مشترکی از دشمن دارند، از طریق پیوندهای شبکه‌ای تعامل داشته باشند. این وضعیت، افراد را قادر می‌سازد تا برای بیان اندیشه‌ها و علائق، یا اجرای آنها در سطح جهان اجتماعات جدیدی را تشکیل دهند (Rosenau and Fagen, 1997: 655-686).

۲. شاخص‌های دسترسی به اینترنت در مصر

مصر از جمله کشورهای شمال آفریقا و با مساحتی معادل ۱۰۰۱۴۴۹ کیلومتر مربع، بیست و هشتمین کشور جهان به‌شمار می‌رود. مصر بالغ بر ۸۰ میلیون نفر جمعیت داشته و از نظر توزیع جمعیت، ۴۵ درصد مردم این کشور در شهرها و ۵۵ درصد آن در روستاها زندگی می‌کنند. کشور مصر از لحاظ موقعیت طبیعی در

منتهی‌الیه شمال شرقی قاره آفریقا، در منطقه خاورمیانه واقع شده است. این کشور از شمال به دریای مدیترانه، از شمال شرق به فلسطین اشغالی، از شرق به دریای سرخ و کانال سوئز، از جنوب به سودان و از غرب به لیبی منتهی می‌شود. نزدیکی با دریای سرخ و مدیترانه و برخورداری از ۲۸۹۶ کیلومتر مرز ساحلی، کنترل صحرای سینا، تنها پل ارتباطی زمینی میان آفریقا و آسیا و همچنین کنترل کانال سوئز— که با اتصال دریای سرخ به دریای مدیترانه در واقع ارتباط دریایی نزدیک تر و سریع تر شرق و غرب جهان را میسر ساخته است — به این کشور موقعیت ساحلی استراتژیکی بخشیده است (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۹). با توجه به اینکه، هدف محوری پژوهش حاضر، بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب مصر است، بر همین اساس، برخی از شاخص‌های کاربست فناوری‌های اطلاعات، به‌ویژه اینترنت را در این کشور مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

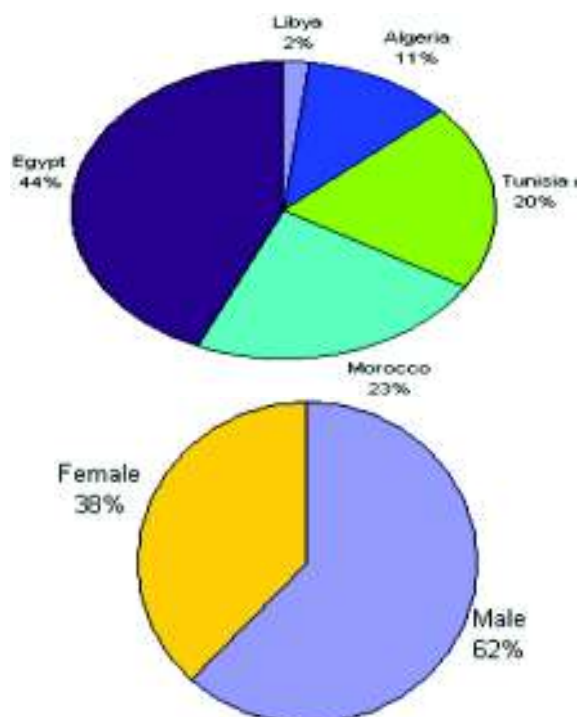
جدول ۱: میزان دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در مصر

کشور	مشترکین تلفن همراه به ازای هر ۱۰۰ نفر	مشترکین اینترنت ثابت به ازای هر ۱۰۰ نفر	کاربران اینترنت به ازای هر ۱۰۰ نفر	کاربران فیس‌بوک	کاربران فیس‌بوک به ازای هر ۱۰۰ نفر
مصر	۶۶/۷ درصد	۲/۸ درصد	۲۴/۳ درصد	۵,۶۵۱,۰۸۰	۷ درصد

(International Telecommunication Union, 2009)

نمودار ۲: تعداد کاربران فیس‌بوک در آفریقای شمالی

نمودار ۳: ترکیب جنسی کاربران فیس بوک در مصر



۳. نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب مصر

عواملی که باعث برانگیخته شدن ناآرامی‌ها در مصر شد را نمی‌توان به یک عامل محدود کرد. از سخنانی که از سوی بسیاری از تظاهرکنندگان مطرح می‌شد، این موضوع مشخص می‌شود که آنها علیه سرکوب، فساد و نبودن ساده‌ترین شکل عدالت قیام کرده‌اند. سخنان گروهی دیگر نشان‌دهنده این است که آنها دنیای خود را بدون آینده‌ای روشن می‌دیدند. آینده‌ای که در آن نه فرصتی فردی فراهم است، نه اوضاع مناسبی وجود دارد و نه سیستمی دیده می‌شود که به افراد بر اساس

تحصیلات علمی و شوق به کار پاداشی داده شود. در عین حال دلایل اقتصادی کوتاه مدتی هم وجود دارد. رکود جهانی اقتصاد بر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و فراهم شدن فرصت‌های شغلی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تاثیر گذاشت. در گزارشی که موسسه گالوپ در سال ۲۰۱۱ منتشر کرد، نشان می‌دهد که در بین مصری‌ها درصد کسانی که معتقدند اوضاع آنها در حال بهبود است، نسبت به سال ۲۰۰۵ به میزان ۱۸ درصد کاهش یافته است. پاسخ‌دهندگان مصری هم‌چنین به کاهش قابل ملاحظه سطح رفاه خود نسبت به سال ۲۰۰۵ اشاره می‌کنند. علاوه بر این، نسبت به سال ۲۰۰۹ فقط ۲۰ درصد از کسانی که ثروتمندتر بودند، نگاه خوشبینانه‌ای به آینده داشته‌اند. در عین حال، موسسه گالوپ درصد رونق اقتصادی در مصر را در سال ۲۰۰۵، ۲۹ درصد، در سال ۲۰۰۷، ۲۵ درصد، در سال ۲۰۰۸، ۱۳ درصد و در سال ۲۰۱۰، ۱۲ درصد اعلام می‌کند (Gallup.com/25/1/2012). این آمار نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۸ به بعد، به واسطه بحران مالی در اروپا و ایالات متحده آمریکا، درصد رونق در مصر به میزان زیادی کاهش یافته است.

کشور مصر، برای مدت طولانی دستخوش ناآرامی‌ها و اعتراض‌های گسترده مردمی بود. در اعتراض‌های خیابانی آنقدر شعار «دیگر بس است!»، تکرار شده بود که این شعار به یک جریان سیاسی - اجتماعی موسوم به «کفایه!» تبدیل شد که عده بسیار زیادی از دانشگاهیان و روشنفکران در آن عضویت دارند. اما قضیه جوانی به نام خالد سعید که در شهر اسکندریه توسط افراد پلیس شکنجه شده و به قتل رسید، چنان موجی از تظاهرات و اعتراضات را برانگیخت که تصور نمی‌شد به سادگی آرام گیرد.

ماجرا به روز ۶ ژوئن ۲۰۱۰ برمی‌گردد که چند تن از افراد پلیس اسکندریه جوانی را در یک کافی‌نت بازداشت کردند و در برابر دیدگان شاهدان عینی در حالی که وی را به شدت کتک می‌زدند، به نقطه نامعلومی بردند. دو ساعت بعد آنها جنازه این جوان را که آخرین نفس‌های خود را می‌کشید در نزدیکی مغازه کافی‌نت انداختند و رفتند. خانواده مقتول و برخی از مشتریان کافی‌نت ادعا کردند که این جوان، اطلاعاتی دربارهٔ فساد مالی مأموران پلیس داشته و می‌خواسته این اطلاعات را در وبلاگ خود قرار دهد. اما پلیس اسکندریه گفت که خالد سعید ماده مخدر حمل می‌کرد و پس از دیدن مأموران پلیس، آن را بلعیده و همین منجر به خفگی و مرگش شده است.

خبر این حادثه نخست روی سایت‌های اینترنتی آمد و سپس به روزنامه‌ها کشیده شد و تظاهراتی در اسکندریه علیه پلیس صورت گرفت. این موج تظاهرات و اعتراضات به قاهره نیز کشیده شد و احزاب و جریان‌های سیاسی مخالف رژیم مبارک و حزب حاکم نیز آن را هم‌چون مائده‌ای آسمانی دریافت کردند و موجی از اعتراضات خیابانی را به راه انداختند.

مهمترین این اعتراض‌ها از جانب دکتر محمد البرادعی، دبیرکل سابق آژانس بین‌المللی هسته‌ای صورت گرفت. البرادعی در روز جمعه در حالی که ایمن نور، رئیس حزب غد (فردا) و چند تن دیگر از رؤسای احزاب مخالف رژیم وی را همراهی می‌کردند، به اسکندریه رفت و پس از دیدار با مادر جوان مقتول و دیگر اعضای خانواده‌اش در مراسم نماز جمعه شرکت کرد. در این مراسم با وجود آن‌که پلیس اسکندریه راه‌های منتهی به مصلاهی نماز جمعه را بسته بود، هزاران نفر از اهالی شهر شرکت کردند و ضمن سردادن شعارهایی علیه دولت

حسنى مبارك، خواستار پايان دادن به رفتارهاى خودسرانه و وحشيانه پليس و محاکمه مسئولان قتل خالد سعيد شدند.

در نتیجه این اعتراضات و زیر فشار افکار عمومی، دستگاه قضائی مصر برای دومین بار دستور نبش قبر و معاینه جسد توسط هیأتی از پزشکان قانونی و تعیین علت فوت را داد. این بار نیز پزشکان قانونی تأیید کردند که فوت خالد سعيد در اثر خفگی ناشی از بلعیدن یک کیسه پلاستیکی حاوی ماده مخدر بانگو (ماریجوانا) بوده، اما عکس فک خورده شده و مجمه آسیب دیده مقتول که از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازى در همه جا پخش شده بود، مانع از این می‌شد که افکار عمومی گزارش پزشکی قانونی را باور کند، لذا خانواده مقتول و احزاب مخالف خواستار معاینه جسد توسط پزشکان بین‌المللی و بی‌طرف شدند (مهتدی، ۱۳۸۹). در ۱۷ ژانویه و سه روز پس از سقوط دولت تونس بود که یک معترض مصری خود را به آتش کشید.

دعوت اولیه برای برگزاری تظاهرات ۲۵ ژانویه (روز خشم)، با الهام‌گیری از انقلاب مردم تونس که موجب سرنگونی دیکتاتوری زين العابدين بن علي در این کشور شد، از سوی جوانان مصری، در ۳ استان مصر و در اعتراض به بیکاری، فقر و تبعیض علیه رژیم حسنى مبارك صورت گرفت (علاجیلی، ۱۳۸۹). تظاهرات روز سه‌شنبه به همت جوانان جنبش ششم آوریل و از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازى شکل گرفته بود. بیشترین نیروی حاضر در خیابان‌های قاهره و دیگر شهرها را نیز همین افراد ناشناس، اما مصمم، تشکیل می‌داد. این گروه که نام جنبش جوانان ۶ آوریل را برگزیده بود، به دنبال حوادث ۶ آوریل ۲۰۰۸ و سرکوب وحشیانه کارگران محله الکبری — توسط جوانی به نام احمد ماهر —

تاسیس شد و ارتباط اعضای آن به‌طور عمده از طریق فیس‌بوک و توییتر بود. اعضا و هواداران این جنبش به سرعت افزایش پیدا کرد و یکی از مهم‌ترین واکنش‌های جمعی و اعتراضی آن در پی دستگیری و مرگ مشکوک «خالد سعید» روی داد (نبوی، ۱۳۸۹). در پی دعوت اینترنتی به برگزاری تظاهرات روز ۲۵ ژانویه هم بیش از ۸۷ هزار نفر اعلام موافقت و همراهی کردند و سنگ‌بنای اجتماع مردمی در میدان التحرير را گذاشتند.

معترضین اخبار آنلاین مربوط به اعتراضات روز جمعه (جمعه خشم) را منتشر کردند و لیست میدان‌های عمومی که مردم باید جمع می‌شدند، را به گوش همه رسانده بودند. این فراخوان‌ها در توییتر و فیس‌بوک از ابتدای صبح جمعه منتشر شد. یک کاربر توییتر نوشت: معترضین مصری از مسجد و کلیسا شروع کردند و مسلمانان و مسیحیان، همه حضور داشتند.

فعالان آنلاین از تونس هم اطلاعات خود را درباره اینکه چگونه معترضین مصری می‌توانند از نوبابه کوکاکولا به عنوان یک روش محافظت از خودشان در برابر گاز اشک‌آور پلیس استفاده کنند، با دیگران به اشتراک گذاشتند. برخی نیز با ارائه ارقام اورژانسی در مواردی که معترضین بازداشت می‌شدند به کمک معترضین شتافتند. جوانان جنبش ۶ آوریل ۲۰۰۰ برشوری در روز پنج‌شنبه توزیع کردند که به‌طور خلاصه جایی که باید بروند و آنچه که باید فراهم کنند، را در آن شرح می‌داد. آن‌ها مردم را تشویق کردند اطلاعات خود را از طریق ایمیل به جای فیس‌بوک و توییتر منتشر کنند تا از مداخلات دولتی جلوگیری کنند.

خبر مربوط به این تظاهرات بلافاصله در صدر اخبار مهم‌ترین رسانه‌های دیداری و نوشتاری جهان قرار گرفت و بسیاری از شبکه‌های خبری اقدام به

پخش تصاویری از خشونت و حمله پلیس به جمعیت تظاهرکنندگان کردند. به گفته این رسانه‌ها پس از ۳ دهه سکوت در برابر رژیم دیکتاتوری حسنی مبارک، این بزرگ‌ترین اعتراض‌های خیابانی مردم به سیاست‌های دولت مبارک بوده است. تظاهرکنندگان خواستار کناره‌گیری مبارک، استعفای دولت وی، برگزاری انتخابات آزاد و تشکیل یک دولت مردمی به معنای واقعی کلمه در مصر شدند. آنها هم‌چنین تصاویر حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر را پاره کرده و به آتش کشیدند. دیگر کاربران توئیتر پیام‌هایی را برای بالا بردن دلگرمی معترضین ارسال کردند، و توئیتهایی برای حمایت و همبستگی بیشتر از جانب کشورهای نظیر ژاپن و ایالات متحده ارسال کردند. بعضی کاربران ایده‌هایی درباره این‌که چگونه سخت‌گیری‌های تکنولوژیکی دولت را با استفاده از سرورهای پراکسی دور بزنند، ارائه کردند. صفحه فیس بوک «زنان مصر» که به منظور ثبت نقش غیر قابل انکار زنان در جنبش ضد دیکتاتوری این کشور ایجاد شده حاوی عکس‌ها و مطالب متنوعی است که حضور وسیع زنان را نشان می‌دهد. زنان مصر همچنان با حضور فعال در فضای مجازی و شبکه‌های تلویزیونی مرتباً تکرار کرده‌اند که تا زمانی که مبارک نرود مذاکره‌ای در کار نخواهد بود (آزادیان، ۲۰۱۱).

در ۲۸ ژانویه بیش از ۲۴ نفر از تظاهرکنندگان، کشته شده و بالغ بر هزار نفر در درگیری با نیروهای امنیتی شهرهای مختلف مصر زخمی شدند و تنها در شهر سوئز ۱۳ نفر کشته شدند. در این روز دولت مصر قانون منع آمد و رفت را در شهرهای قاهره، اسکندریه و سوئز از ساعت ۱۸ تا ۷ صبح به اجرا گذاشت. در این روز، مبارک به ارتش دستور داد کنترل نظم و امنیت کشور را در دست بگیرد و ارتش نیز بلافاصله شبانه نیروهای خود را در شهرها مستقر کرد. در پی این اقدام، هزاران نفر از دخالت ارتش استقبال کردند، زیرا آن‌ها ارتش را بر خلاف

پلیس که مانع برگزاری تظاهرات می شد و با تظاهرات کنندگان درگیر شده بود، بی طرف می دانستند. در روز هفدهم اعتراضات مردم مصر، مهم ترین بخش از انقلاب آن‌ها به شکلی جالب رقم می خورد، و آن پخش شایعه اعلام استعفای حسنی مبارک در سخنرانی شامگاه پنجشنبه بود، که رسانه‌های خارجی در آن به طور خواسته و یا ناخواسته نقش بسزایی داشتند و همین امر باعث می شود تا هزاران مصری برای برپایی جشنی مفصل به سمت میدان تحریر و همچنین خیابان‌های مصر سرازیر شوند و منتظر استعفای حسنی مبارک بمانند، ولی با ظاهر شدن حسنی مبارک بر روی شبکه دولتی مصر و پافشاری بر مواضع قبلی خود باعث خشمگین شدن میلیون‌ها مصری شد.

روند حوادث و رویدادها، نشان می دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش مهمی را در اعتراضات مصر در ژانویه و فوریه ۲۰۱۱ ایفاء کردند. هر چند باید گفت که شبکه‌های اجتماعی علت اصلی وقوع انقلاب مصر محسوب نمی شوند و نقش آنها بیشتر در روند انقلاب و تقویت توانمندی‌ها و مهارت‌های افراد برای به ثمر رساندن اعتراضات و گسترش دامنه بیداری در میان تعداد زیادی از مردم مصر است. بر همین اساس، نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب مصر را می توان در سه محور زیر مورد بررسی قرار داد:

الف. فراخوانی برای تظاهرات

یک روز بعد از سقوط رژیم تونس، دعوت برای تظاهرات گسترده از طریق فیس بوک انجام گرفت. ۲۵ ژانویه که روز پلیس مصر و تعطیلات رسمی در این

کشور بود، انتخاب شده بود. این دعوت از طریق سه صفحه فیس‌بوک انجام گرفت:

۱- ما همه خالد سعید هستیم: خالد سعید، فردی است که به وسیله پلیس در اسکندریه دستگیر، و پس از شکنجه کشته شد. این صفحه تا ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، بیش از ۸۰۴،۰۰۰ عضو داشت. ۲- جنبش جوانان ۶ آوریل: این صفحه ۵۳،۰۰۰ عضو دارد. ۳- البرداعی، رئیس‌جمهور مصر ۲۰۱۱: صفحه محمد البرداعی، برنده جایزه نوبل و رئیس سازمان انرژی اتمی از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۹، ۲۴۴،۰۰۰ عضو دارد.

۲۵ ژانویه، بیش از ۵۰۰،۰۰۰ در تظاهرات خیابانی در ۸ شهر شرکت کردند. بیشتر مصری‌ها هرگز چنین پاسخ مثبت به دعوت الکترونیک را انتظار نداشتند و بر همین اساس، تصمیم به انجام تظاهرات میلیونی در روز جمعه ۲۸ آوریل که روز خشم نامگذاری شد، گرفته شد. دولت مصر، با آگاهی از نقش محوری فیس‌بوک و توئیتر، ارتباطات اینترنتی و تلفنی را قطع کرد. اما اقدام دولت مصر نتیجه عکس داد و منجر به شرکت بیش از یک میلیون در تظاهرات در ۱۰ شهر شد (Los Angeles Times, 2011).

ب. انتشار اخبار تظاهرات

یکی از مهمترین صفحات، رصد اخبار بود که تقریباً ۲۵۰۰۰۰ عضو داشت. در این میان، توئیتر نقش فعالی را در مدیریت تظاهرات و پخش اخبار ایفاء می‌کرد. فیس‌بوک و توئیتر از طریق پخش اخبار تظاهرات از قلب حوادث، مدیریت مسیرها و جمع‌آوری مشارکت‌کنندگان و پخش اخبار صوتی و تصویری از

تظاهرات، به‌عنوان رهبرانی مجازی در هدایت معترضان و گسترش دامنه بیداری در میان جوانان مصری عمل می‌کردند. جدول زیر، جریان اطلاعات را در فیس‌بوک و توئیتر از ۲۵ ژانویه تا ۱۰ فوریه ۲۰۱۱ نشان می‌دهد.

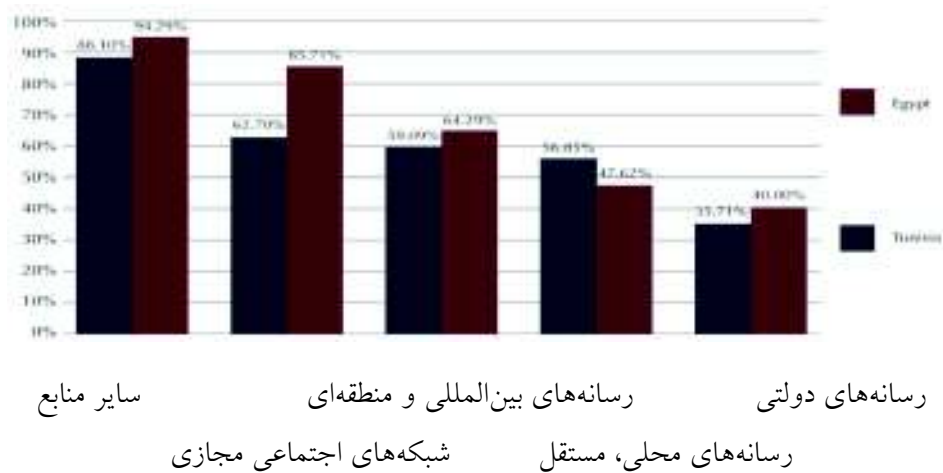
صفحه	رصد اخبار	ما همه خالد سعید هستیم
کلیپ‌های ویدئویی	۵۷	۶۱
عکس	۴۰۰	۲۰۰
توئیتر	۱۰۵۸۴	—
ارتباط فرامتن	۳۶۷	۱۰۰

ج. افزایش گردش اطلاعات

کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی، نقش مهمی را در گردش اطلاعات و اخبار ایفا می‌کنند. کاربران، می‌توانند از منابع مختلف مانند حضور در میدان حوادث و اتفاقات، شبکه‌های تلویزیونی و اخبار وب سایت‌ها را در صفحات خود قرار دهند و بدین ترتیب، نقش مهمی را در انتشار اخبار و گردش آزادانه اطلاعات ایفا می‌کنند. برای مثال، واکنش مصری‌ها به فیس‌بوک بسیار حیرت‌انگیز است که این امر نقش این شبکه اجتماعی را در گردش اخبار نشان می‌دهد. در همین راستا، می‌توان به تعداد اعضای صفحه ما همه خالد سعید هستیم، اشاره کرد. تعداد

اعضای صفحه ما همه خالد سعید هستیم، پیش از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، ۴۰۰،۰۰۰ نفر بود، و در ۹ فوریه ۲۰۱۱ به ۶۰۰،۰۰۰ نفر و در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ به ۸۰۴،۰۰۰ نفر رسید. این امر بدین معنا است که فقط در ۲۰ روز، روزانه ۲۰،۲۰۰ نفر به این صفحه پیوستند (www.pitchengine.com).

منابع تامین کننده اطلاعات و اخبار در جریان اعتراضات



(www.ArabSocialMediaReport.com)

نتیجه‌گیری

سخن محوری پژوهش حاضر این نیست که فناوری‌های اطلاعاتی مثل اینترنت، علت اصلی وقوع تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشورها است، بلکه مقاله حاضر این ایده را مطرح می‌کند که فناوری‌های اطلاعاتی، نقشی شتاب‌دهنده را در وقوع تغییرات ایفا می‌کنند. فناوری‌های اطلاعاتی با ارتقای توانمندی‌ها و مهارت‌های ارتباطی و ظرفیت‌های هماهنگی افراد، فارغ از محدودیت‌ها و موانع جهان

فیزیکی این امکان را به افراد می‌دهند تا بتوانند اهداف، خواسته‌ها و آرزوهای خود را با دیگر هم‌نوعان به اشتراک بگذارند و با تشکیل اجتماعات مجازی و احساس وجود جمعی مشترک، هر چند مجازی، فشارها برای وقوع تغییرات را تشدید کنند. در انقلاب مصر، شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان ابزاری مهم در ایجاد و تقویت روابط میان معترضان، اظهار وفاداری و هماهنگی میان معترضان نقش شتاب‌دهنده را در انقلاب مصر ایفا کردند. شبکه‌های اجتماعی، شکل‌گیری احساس مثبت نسبت به تغییرات سیاسی را در میان جوانان مصری تقویت کرده و احساس مثبتی به آنان در مشارکت در بیداری و انقلاب می‌داد. در واقع، نگرش مثبت جوانان مصری نسبت به تغییر شرایط سیاسی کشور، به واسطه اطلاعاتی بود که از طریق شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آوردند. ارتباطات افراد در شبکه‌های اجتماعی بیانگر آن بود که افراد از تغییر سیاسی حمایت می‌کنند و حتی سانسور و کنترل ارتباطات مبتنی بر اینترنت نتوانست مردم را از ادامه اعتراض و بیداری بازدارد. شبکه‌های اجتماعی مجازی، ظرفیت هماهنگی و تحلیلی افراد را فارغ از محدودیت‌های جهان واقعی ارتقاء داده و زمینه را برای تغییرات سیاسی و اجتماعی فراهم می‌کنند. شاید بتوان گفت در جهانی فارغ از شبکه‌های اجتماعی مجازی، اعتراضات و نارضایتی‌ها خیلی دیرنگام به نتایج و خواسته‌های خود می‌رسد و امکان مدیریت و سرکوب آن نیز تقویت می‌شود.

منابع

سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۱). «نظریه‌های ارتباط جمعی». ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حسینی، مختار (۱۳۸۱). «برآورد استراتژیک مصر». جلد اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

دالگران، پیترو (۱۳۸۰). «تلویزیون و گستره عمومی (جامعه مدنی و رسانه‌های همگانی)». ترجمه مهدی شفقتی، تهران: انتشارات سروش.

مک لوهان، مارشال. (۱۳۵۱). «وسیله، پیام است». ترجمه تقی مایلی، فرهنگ و زندگی، شماره ۸.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). «تحول ساختاری حوزه عمومی». ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار.

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). «بازخوانی هابرماس». تهران: انتشارات نشر چشمه.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات. مهدی، محمد علی. «مصر در آستانه تحول» استراتژیکی خاورمیانه، ۸۹/۶/۲۴

<http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/ArticleView/articleId/201/>

محسن علاجیلی، «انقلاب مصر انقلاب رسانه‌ای بود»، الف ۸۹/۱۱/۲۳ در <http://alef.ir/1388/component/option,comprofileer/Itemid,117/task,userProfile/user>.

سید عبدالامیرنبوی، «نسل جدید مصر»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۸۹/۱۲/۱۰

<http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/ArticleView/articleId/1260/>

پریسا آزادپان، «نقش برجسته زنان مصری در جنبش انقلابی مصر»، وردپرس، فوریه ۲۰۱۱

<http://jahanezan.wordpress.com/2011/02/10/tanin-1023>

Arquilla, J. & Ronfeldt, D. (1997a). "A New Epoch—and Spectrum—of Conflict!". in: J. Arquilla, & D. Ronfeldt, (eds) *In Athena's Camp: Preparing for Conflict in the Information Age*. Santa Monica: Rand Corporation

Blank, S.J. (1997). "Preparing for the Next War: Reflections on the Revolution in Military Affairs". in: J. Arquilla & D. Ronfeldt, (eds) in: *Athena's Camp: Preparing for Conflict in the Information Age*. Santa Monica: RAND Corporation.

Cavelty, M. D. (2008). *Cyber-Security and Threat Politics; US Efforts to Secure the Information Age*. New York: Routledge.

Everard, J. (2000). *Virtual states : the Internet and the boundaries of the nation-state*. New York: Routledge.

"Egypt Facebook community largest in Arab world," Spot-On Public Relations, January 26, 2011, <http://www.pitchengine.com/spotonpr/egypt-facebook-community-largest-in-arab-world/120523/> (accessed January 29, 2011).

Lyon, D. (1997). "Cyberspace sociality: controversies over computer-mediated relationships". in: B. D. Loader. *The Governance of Cyberspace: Politics, Technology and Global Restructuring*. New York: Routledge.

Los Angeles Times (2011). "Egypt may have Turned off the Internet one phone call at a time". at: <http://latimesblogs.latimes.com/technology/2011/01/egypts-internet-blackout-unprecedented.html> (accessed January 29, 2011).

Martinez, A. & Ronfeldt, D. (1997). "A Comment on the Zapatista Netwar". in: J. Arquilla, & D. Ronfeldt (eds) in: *Athena's Camp: Preparing for Conflict in the Information Age*. Santa Monica: Rand Corporation.

Mesko, G. (2006). "Perceptions of Security: Local Safety Councils in Slovenia". in: U. Gori, & I. Paparella. *Invisible Threats; Financial and Information Technology Crimes Against National Security*. Netherlands: IOS Press.

Rosenau, J. N. (2003). *Distant Proximities: Dynamics Beyond Globalisation*. New Jersey: Princeton University Press.

- Raouf, Ramy.(2010). “Egypt: Security Department to Monitor Facebook and Support the Government”. Global Voices, August 29, 2010, <http://advocacy.globalvoicesonline.org/2010/08/29/egypt-security-department-to-monito-facebook-and-support-the-government>
- Rosenau & Fagen, M. W. (1997). "A New Dynamism in World Politics; Increasingly Skillful Individuals?". International Studies Quarterly. Vol.41,No.4,pp.655-686
- Boughelaf, Jamila (2011). Mobile phones, social media and the Arab Spring. at:<http://credemus.org/images/stories/reports/mobile-phones-and-the-arab-spring.pdf>
- Stepanova, Ekaterina(2011). The Role of Information Communication Technologies in the “Arab Spring” at: http://www.gwu.edu/~ieresgwu/assets/docs/ponars/pepm_159.pdf
- Comminos, Alex(2011). Twitter revolutions and cyber crackdowns, at: http://www.apc.org/en/system/files/AlexComminos_MobileInternet.pdf
- <http://www.gallup.com/poll/145883/Egyptians-Tunisians-Wellbeing-Plummets-Despite-GDP-Gains.aspx>
- http://jrnetsolserver.shorensteincente.netdna-cdn.com/wp-content/uploads/2011/08/DSG_Arab_Social_Media_Report_No_2.pdf